

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

۱۴۹

۱۱۹۴۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۹۰۴۹۳

کتاب حبر

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۴۹۸۳

۱  
۸  
۸  
۳  
۵  
۶  
۸  
۷  
۶

۱۱۹۴۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۹۰۴۹۳

کتاب حبر

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۴۹۸۳

۱ ۸ ۸ ۳ ۵ ۶ ۸ ۷ ۶ ۱ ۱۱ ۱۱ ۱۳ ۳۱ ۵۱ ۶۱ ۷۱ ۸۱ ۹۱ ۱۰۱ ۱۱۱ ۱۲۱ ۱۳۱ ۱۴۱ ۱۵۱ ۱۶۱ ۱۷۱ ۱۸۱ ۱۹۱ ۲۰۱ ۲۱۱ ۲۲۱ ۲۳۱ ۲۴۱ ۲۵۱ ۲۶۱ ۲۷۱ ۲۸۱ ۲۹۱ ۳۰۱ ۳۱۱ ۳۲۱ ۳۳۱ ۳۴۱ ۳۵۱ ۳۶۱



لقد استبهرتكم في دروسنا  
و در نظر سبب است و آن هم اینست  
که در آن روز سخن از شعرها  
معدود است ۱۷ ۳۱۷ ۳۳۳ ه  
بسم الله الرحمن الرحيم يا محمد بن الحسين  
يا صاحب الجنتين يا موسيخ خادد سلوى بن عبد  
موسى و موسى بن عبد الجبار بن عبد الله بن عبد  
سلمان بن مازن و عليهما السلام ابن مازن بن مازن  
كبر و زبير بن مازن الورد كبر انما انما انما



در آن روز سخن از شعرها  
معدود است ۱۷ ۳۱۷ ۳۳۳ ه  
در آن روز سخن از شعرها  
معدود است ۱۷ ۳۱۷ ۳۳۳ ه

دetailed handwritten text in Persian script, appearing as a list or index of names and titles, including names like 'موسى بن عبد الجبار' and 'عليهما السلام'.

Handwritten text in Arabic script, densely packed across the page. The text is written in a cursive style and appears to be a list or a series of entries. The page is numbered '3' in the bottom right corner.

Handwritten text in Arabic script, densely packed across the page. The text is written in a cursive style and appears to be a list or a series of entries. The page is numbered '4' in the bottom right corner.

Handwritten text in Arabic script, densely packed across the page. The text is written in a cursive style and appears to be a list or a series of entries. The page is numbered '5' in the bottom right corner.

A page with very faint, illegible handwritten text in Arabic script, possibly due to fading or bleed-through from the reverse side. The page is numbered '6' in the bottom right corner.

Handwritten text in Arabic script, likely a list or account, written in a cursive style. The text is arranged in several columns and includes various entries, possibly names and amounts. The script is dense and fills most of the page.

Handwritten text in Arabic script, continuing the list or account from the previous page. The entries are organized in columns and include various names and figures, written in a consistent cursive hand.

Handwritten text in Arabic script, continuing the list or account. The text is organized in columns and includes various entries, possibly names and amounts, written in a consistent cursive hand.

Handwritten text in Arabic script, arranged in approximately 10 columns. The text is dense and appears to be a list or a series of entries. Some words are written in larger, bolder script, possibly indicating headings or important terms. The ink is dark and the paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Arabic script, arranged in approximately 10 columns. The text is dense and appears to be a list or a series of entries. Some words are written in larger, bolder script, possibly indicating headings or important terms. The ink is dark and the paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Arabic script, arranged in approximately 10 columns. The text is dense and appears to be a list or a series of entries. Some words are written in larger, bolder script, possibly indicating headings or important terms. The ink is dark and the paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Arabic script, arranged in approximately 10 columns. The text is dense and appears to be a list or a series of entries. Some words are written in larger, bolder script, possibly indicating headings or important terms. The ink is dark and the paper shows signs of age and wear.

Handwritten text in Persian script, densely packed and written diagonally across the page. The text appears to be a list or a series of entries, possibly related to a historical or administrative record.

Handwritten text in Persian script, written in a more organized, columnar fashion. The text is dense and covers most of the page, likely representing a continuation of the list or entries from the adjacent page.

Handwritten text in Persian script, located in the upper right quadrant of the page. It includes several lines of text, possibly serving as a header or a specific entry.

Handwritten text in Persian script, located in the lower right quadrant of the page. The text is more spread out and includes some larger characters, possibly indicating a new section or a significant entry.





مقصود است که این اسم را بر زبان ببرد که بر او بی اعتبار است... **اختیار** اگر چه در گذشته بهر جهت است... **ادب** بی نهایت است... **دینی** آنست که در دنیا و آخرت... **صالح** آنست که در دنیا و آخرت... **دروغ** آنست که در دنیا و آخرت... **چند** آنست که در دنیا و آخرت...

**صفتی** شرف او در هر کس... **ادب** بی نهایت است... **دینی** آنست که در دنیا و آخرت... **صالح** آنست که در دنیا و آخرت... **دروغ** آنست که در دنیا و آخرت... **چند** آنست که در دنیا و آخرت... **ادب** بی نهایت است... **دینی** آنست که در دنیا و آخرت... **صالح** آنست که در دنیا و آخرت... **دروغ** آنست که در دنیا و آخرت... **چند** آنست که در دنیا و آخرت...

در پیش تو نماند که نماند... **چند** آنست که در دنیا و آخرت... **ادب** بی نهایت است... **دینی** آنست که در دنیا و آخرت... **صالح** آنست که در دنیا و آخرت... **دروغ** آنست که در دنیا و آخرت... **چند** آنست که در دنیا و آخرت... **ادب** بی نهایت است... **دینی** آنست که در دنیا و آخرت... **صالح** آنست که در دنیا و آخرت... **دروغ** آنست که در دنیا و آخرت... **چند** آنست که در دنیا و آخرت...

**ادب** بی نهایت است... **دینی** آنست که در دنیا و آخرت... **صالح** آنست که در دنیا و آخرت... **دروغ** آنست که در دنیا و آخرت... **چند** آنست که در دنیا و آخرت... **ادب** بی نهایت است... **دینی** آنست که در دنیا و آخرت... **صالح** آنست که در دنیا و آخرت... **دروغ** آنست که در دنیا و آخرت... **چند** آنست که در دنیا و آخرت... **ادب** بی نهایت است... **دینی** آنست که در دنیا و آخرت... **صالح** آنست که در دنیا و آخرت... **دروغ** آنست که در دنیا و آخرت... **چند** آنست که در دنیا و آخرت...

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a treatise or historical account. The text is densely packed and includes several lines of red ink used for headings or emphasis. The script is in a cursive style characteristic of the Safavid or Qajar periods.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. It features a large red heading at the top, possibly indicating a new section or chapter. The text is written in a consistent cursive hand.

Handwritten text in Persian script, appearing to be a list or a series of entries. The text is arranged in several columns and includes some red ink markings. The handwriting is clear and legible.

Handwritten text in Persian script, consisting of a few lines of text. The text is centered and includes a prominent red heading. The page shows signs of age and wear.

حیطاقون مبطاقون طلقان  
حیطاقون مبطاقون طلقان





















سخت آمدن شیخ العقیلی شیخ خواندنی حاران نزد اهل مدینه

سیم است از جمیع اهل مدینه که در مدینه رسیدند و بیچارگی ایشان را دیدند و هر که از مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...

از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...

از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...

از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...  
از مدینه است به امرای آن روز...  
بدرستی که در مدینه بود...













*Handwritten notes in the top margin of the left page.*

تا اینکه اگر کسی بخواهد از این دنیا در وقت حیات خود کسب کند و در آخرت بهشت نصیب شود و در این دنیا هم کسب کند و در آخرت هم نصیب شود و در این دنیا هم کسب کند و در آخرت هم نصیب شود...

*Handwritten notes in the bottom margin of the left page.*

*Main body of handwritten text on the right page of the bottom spread, featuring several red initials.*

*Main body of handwritten text on the left page of the bottom spread, featuring several red initials.*

*Handwritten notes in the bottom margin of the left page.*









Handwritten text in Persian script, likely a list or index, written in a cursive style. The text is arranged in several columns and includes various words and phrases.

Handwritten text in Persian script, likely a list or index, written in a cursive style. The text is arranged in several columns and includes various words and phrases.

Handwritten text in Persian script, likely a list or index, written in a cursive style. The text is arranged in several columns and includes various words and phrases.

Handwritten text in Persian script, likely a list or index, written in a cursive style. The text is arranged in several columns and includes various words and phrases.

دکتر علی...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...

دکتر علی...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...

دکتر علی...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...

دکتر علی...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...

دکتر علی...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...

دکتر علی...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...  
دکتر محمد...  
دکتر احمد...  
دکتر حسین...  
دکتر سید...  
دکتر عباس...





Handwritten text in Arabic script, densely packed across the page. Includes several lines of text in red ink, likely serving as headings or markers for specific sections of the manuscript.

Handwritten text in Arabic script, densely packed across the page. Includes several lines of text in red ink, likely serving as headings or markers for specific sections of the manuscript.

Handwritten text in Arabic script, densely packed across the page. Includes several lines of text in red ink, likely serving as headings or markers for specific sections of the manuscript.

Handwritten text in Arabic script, located in the lower right quadrant of the page. It appears to be a separate note or a specific entry within the main text.

Handwritten text in Arabic script, densely packed across the page. Includes several lines of text in red ink, likely serving as headings or markers for specific sections of the manuscript.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a treatise or a list of items. The text is dense and covers most of the page.

۵۰

Handwritten text in Persian script, including a large section of text and several smaller fragments or headings.

نوشته شده است  
در این کتاب  
موضوعات  
مختلفه  
در مورد  
تاریخ  
و جغرافیه  
مورد  
تذکره  
است

نوشته شده است  
در این کتاب  
موضوعات  
مختلفه  
در مورد  
تاریخ  
و جغرافیه  
مورد  
تذکره  
است

Handwritten text in Persian script, continuing the content from the previous page. The text is written in a cursive style.

۷۵

Handwritten text in Persian script, including a large section of text and several smaller fragments or headings.

نوشته شده است  
در این کتاب  
موضوعات  
مختلفه  
در مورد  
تاریخ  
و جغرافیه  
مورد  
تذکره  
است

نوشته شده است  
در این کتاب  
موضوعات  
مختلفه  
در مورد  
تاریخ  
و جغرافیه  
مورد  
تذکره  
است

نوشته شده است  
در این کتاب  
موضوعات  
مختلفه  
در مورد  
تاریخ  
و جغرافیه  
مورد  
تذکره  
است

نوشته شده است  
در این کتاب  
موضوعات  
مختلفه  
در مورد  
تاریخ  
و جغرافیه  
مورد  
تذکره  
است

۷۶



Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or a collection of letters. The text is densely packed and includes several lines of prose. There are some red markings and a small cross symbol (+) visible on the page.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is densely packed and includes several lines of prose. There are some red markings and a small cross symbol (+) visible on the page.

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or a collection of letters. The text is densely packed and includes several lines of prose. There are some red markings and a small cross symbol (+) visible on the page.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is densely packed and includes several lines of prose. There are some red markings and a small cross symbol (+) visible on the page.









Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of a treatise or a list of items. The text is dense and covers most of the page.

**تاریخ احوال سلاطین و ملوک**

Handwritten text in Arabic script, continuing the historical account. The script is clear and well-organized into paragraphs.

Handwritten text in Arabic script, continuing the historical account. The text is dense and covers most of the page.

Handwritten text in Arabic script, continuing the historical account. The text is dense and covers most of the page.

**تاریخ احوال سلاطین و ملوک**

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of a list or a specific section of the text.

















Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of a treatise or commentary. The text is dense and includes several lines of marginalia. There are some red ink markings and symbols, including a cross-like symbol at the top right and a plus sign at the bottom right.

Handwritten text in Arabic script, continuing from the previous page. It features a large, prominent heading in red ink at the top left. The text is written in a cursive style with some corrections and annotations.

Handwritten text in Arabic script, starting with a large heading in red ink. The text is organized into several columns and includes various annotations and marginal notes. There are some red ink markings and symbols, including a cross-like symbol at the top right and a plus sign at the bottom right.

Handwritten text in Arabic script, continuing from the previous page. It features a large, prominent heading in red ink at the top left. The text is written in a cursive style with some corrections and annotations.



Handwritten text in Persian script, likely a historical or administrative document. The text is densely packed and covers most of the page.

Handwritten text in Persian script, continuing from the previous page. The text is densely packed and covers most of the page.

Handwritten text in Persian script, located in the upper right corner of the page. It appears to be a separate note or a specific section of the document.

Handwritten text in Persian script, located in the lower left and center of the page. It includes several lines of text, some of which are more prominent than others.

Handwritten text in Persian script, located in the lower right corner of the page. It appears to be a signature or a specific note.



کهنی غنفل سرور بگردد رخ نیاز فصل را با کار بوی  
 پاره کند و در کوه که از آن روز بوی او در آن کله در  
 و به بان که بوی با کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 دانایان رخ ظاهر شد از آن روز بوی کوه نشانی با به  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند  
 بنامه کوه بگفتی بر پشت فرود آمدن فرزند

۱۳۲۲  
 ۱۳۲۳  
 ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵  
 ۱۳۲۶  
 ۱۳۲۷  
 ۱۳۲۸  
 ۱۳۲۹  
 ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱  
 ۱۳۳۲  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰

قاهره  
 شمشاد البطن  
 قاصم الجبار  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰

۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵  
 ۱۳۴۶  
 ۱۳۴۷  
 ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹  
 ۱۳۵۰  
 ۱۳۵۱  
 ۱۳۵۲  
 ۱۳۵۳  
 ۱۳۵۴  
 ۱۳۵۵  
 ۱۳۵۶  
 ۱۳۵۷  
 ۱۳۵۸  
 ۱۳۵۹  
 ۱۳۶۰

تاریخ سلسله ساسانی  
 ۱۳۶۱  
 ۱۳۶۲  
 ۱۳۶۳  
 ۱۳۶۴  
 ۱۳۶۵  
 ۱۳۶۶  
 ۱۳۶۷  
 ۱۳۶۸  
 ۱۳۶۹  
 ۱۳۷۰  
 ۱۳۷۱  
 ۱۳۷۲  
 ۱۳۷۳  
 ۱۳۷۴  
 ۱۳۷۵  
 ۱۳۷۶  
 ۱۳۷۷  
 ۱۳۷۸  
 ۱۳۷۹  
 ۱۳۸۰

۱۳۸۱  
 ۱۳۸۲  
 ۱۳۸۳  
 ۱۳۸۴  
 ۱۳۸۵  
 ۱۳۸۶  
 ۱۳۸۷  
 ۱۳۸۸  
 ۱۳۸۹  
 ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۱  
 ۱۳۹۲  
 ۱۳۹۳  
 ۱۳۹۴  
 ۱۳۹۵  
 ۱۳۹۶  
 ۱۳۹۷  
 ۱۳۹۸  
 ۱۳۹۹  
 ۱۴۰۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اوست محمد و سنان از تو موفت بسیار از آفرین  
تا اناک اللک از سر از اراک که خواهم که بشا و بشا  
سپنتا ک کلام جمید روز فغان جمید مدد حاجت  
در هر صورت از تو نشتر از امانا و بجز کما معاش  
و در هیئت فغان ده و هر کس از آن سر مطلق کرده باش  
هر کس خالصان در کلاه و عقبتان با از کلاه المولی و تو  
تا ما نشا هو می هم از دنیا و رسالت هر روز صفا بشا

بدر تو ز فغانا روزی و ما که تو را غنی بشا می  
و البتیل اذا سجود من منقذ من فغان مصطفی  
اشعاب به و الله جمیدین و بر ستا فغان و اوقیاشا  
و داده نما یا ان ربه هدیک لرب الارضینا و هو ارحم  
و معانی ایاک کلام خویش کن گفت که ایات نه بیایه  
و بیضا عفت رود و ستار لاهل طاعت و در شب  
عمر ز شش صحاح المروزی مدلت سدید و بعد به یقین  
که خفاک یا ای سلاست بر لاله هم عفت به سکن  
زده در طلب اولاد عطا خطبت می بود نه نامه  
ده سال اولاد و ایات کتیر کتیر بدان ایمان  
سینه و اندر هر چه کنگار ختم می روز روز عمارت  
برای اعمال و تقاصد کباب به یقین اندازد بدست

اترود و همچون بلخ عدده گرفته بقسمت هفتاد و نوزده  
و عدده یکبر و در وسط و صغیر بقول عدید یا شایسته  
و سمت کوه تا به صده که هفتاد و نوزده است که در کتاب  
صغیری در غنیه بوده از آنست که غنیه است و غنایان  
اورد و در شرح آورد و رقم اوله نیز پیش از آن  
بخت است اما اینان وضع نموده و در نقل اوله  
نارگی رقم اوله آورده تا نا اوله و در بدینکه و در  
و از درج بر فوق افزون است و جهت به برسد اوله  
حضرت شیخ الشیخ قطب انقلاب الدین است و در کتاب  
و دیده با کما و مگر شیخ ابوالطالب که حضرت  
امام الهام کاشف سر الکلام را وضع اوله العلم  
بدر اوله است اما اوله است و در شرح شیخ العزازی

مورد

و حضرت شیخ المیزان کمال الشیخ المصطفی محی  
ملام التی بن النجری شیخ خطاب الدین بن محمد  
و در حضرت سلیمان اوله و در همان کتاب  
محمد سر بر در حاکم شیخ علی بن ابراهیم و حضرت امام  
الغاری است اوله کاشف حقایق اوله است اما الغاری  
شیخ ابوالعباس محمد الجوری و حضرت شیخ الفاضل  
الکاشف اوله است اما الغاری سعد الکاشف و الدین  
محمد الجوری و حضرت الشیخ الناکشانی است که  
خاری و نوزده المعقول و المعقول شیخ الجبار است  
اصحاب المعقول و حضرت شیخ الفیض و معتدل امام باب  
الطریق سلیمان الغفیری است و اوله رضایین  
الشایعات الصریح عادل و الدین است اما حضرت

مورد

مورد

سید الشایعات شیخ طاهر الشایعات سلیمان  
و الدین و طاهر اوله و معطوفی به شیخ طاهر  
و شیخ الاعظم و معتدل امام مصفص الصالح شیخ  
الارباب عبد الجبار الدین بن الشیخ طاهر بن شایع  
منبع العلوی بن فرید بن سلیمان الشایعات الدین شایع  
سید الشایعات شیخ طاهر بن سلیمان بن شایع  
و حضرت معتمد اوله است اما الغافل و معتدل الغافل  
کاشف العلوی و علی و جلاله بن سلیمان بن سلیمان  
طریق الخفیة سلیمان الفتنان الیخیر شیخ الملائک  
و الدین بن زوری طایب الله له و در شرح اوله  
سید و در دین بن زوری اوله است اما معتمد بن معتمد  
ختم سید مکر و در دین بن زوری اوله است اما معتمد بن معتمد  
میشاه اند و غیر دین بن زوری اوله است اما معتمد بن معتمد  
که بعد بدیدم که عدده کلیت و هر که را بن امام الفاضل  
بیتوله نموده عدده تمام و تمام تمام بروشیر بن  
اورد و قیاس بن مودم تا از خواص اوله معتمد  
نمانند و مودم تا از شریک الدین بن زوری علی  
هر روزی و شیخ بن مودم و کاشف صغیرین  
که در دین بن معتمد و در دین بن مودم و در دین بن مودم  
یا با خود دارد و طریف هر یک در خواص اوله  
خواهد آمد بر فرقی است این اوله عظیمه چون  
بر شیخ و حضور در و در دین بن مودم و در دین بن مودم  
در دین بن مودم و در دین بن مودم و در دین بن مودم  
و خصوص الی الخیر تمام فراده شد و در دین بن مودم

مورد

دستور و علم انظار الوزاره و في العالم استغناء هم آثار  
السيره و العلم . و جعلت شفا كره غار بميتا  
بنيح . مدح انشا نثا كره شرب كويده . و انكرا عراي  
كسره برتر . از سه خط صفا و د و با و جويي . بد و آرك  
ضمير طبام . جانا نامي و موثره . و قد برع و بليلك  
الاربي جياغ از روزه بنديمها . و غر و معندي لكترا  
بنوي تا كرا مضر مزلان بر بخند و سحر عوز تا مر  
نكار شا مينا . ناز نازن . لانا طرطا . النفسا  
ملا و السالكين عز و لخره . و ناهي الخا كره . و سحر  
ناما نطقا . و اللذين كره . لانا . و مولا لساين  
المفهم . عوالم الملك لا اخرجوا . و مر اللذاب  
اشه خلا الله تعالى الامام صلواته . و ليله و اعظمه  
تتم

تا ختم رجا و اثن و در شوق صنا و تركه مقول  
خاطه خطير و غير ميز غمخوش كرد . و لانه مصروف  
كه صغر تا حدى خالص الله . و نعمه و ناله اومر  
ابن ان نغام كره . و صفا سلمان تشارن . و مولا  
و غر طر طايشان . كره . نزل . شاپانك . و عظيمه مر  
زعه . شهلا . و صفا . و سفا . و مستدخيشا . تانديه  
الحلاله . و العصفه . و اللقوفيق . **باب اول** . و كره  
تالوسه . بتوبه . و صفاه طاطلن . و ناهي اني شياش  
اشالا ان **باب دوم** . و طلب خواه . و سنا . و عظيمه  
ليخه غار . سبان هادين . و معلوم الناس **باب سوم**  
در كرا . و بر طاطل . و عراي . و در اوردن . و فوفيش  
و ناهي كره . و قد فعتره **الاصحاح** . و در قطع اراضن بكرا

كه در عالمه ان با خريشده باشد **باب چهارم**  
در دفع سحر و جن و ام البنيات و دفع وليكي  
و چشم نخ **باب پنجم** . در دفع دشمنان و حصول  
و عونه يات و هم و روشد ان انا دى **باب هفتم**  
در اداى عر و عر و عر . بكلامه ان قورن و صفه بن  
**باب هشتم** . در دفع حلام حوزن و غش كراي شين  
و غش كراي كره و غش شين **باب نهم** . و لانه  
دباين و صفاه . و خامه كره . نايان . و كويكها  
و در زمان **باب دهم** . در غش و علاج . و جرح  
قوى و عدم كرايدن . و مان در نه . **باب دوازدهم**  
و لذت و عيش . شان ماله . و ملو و عر و علاج  
خادم . و عود . و غيرهم **باب سيزدهم** . در ارضه و غش

جهتت و صفه و حاجات . و كرايدن ابدى  
كه معين شاه قيام تمامند **باب اول** . كره  
فرايغ . بوند . و صفاه طاطلن . و لانه عيشان  
و ام الاذن . و لانه ان چون خواهند . برين ماله  
مطلع كره . و در سر هرت . يكصد بيت . و در بيا  
كره . از اراضن . با تمام شانند . و عر كراي شين  
بيج . و رار . و صدفه . شاپانك . هر روز نيزان  
صحيح . صفاه . ناطلوع اراضن . با نصف جدول  
بخواند . چون تمام **ختم** . با تمام اوصيه اورد بجاي  
ان بكرا شفاك . و عيشان . بروى سفسح . كره . و  
اكر و در كنده بر بند . چهاره . با بخواند . كه عر  
اوست . كه عر . و تمام ارضه شفا . كه عر . اكر ارباب







مزشنا ان ترك محامهم عليه. انما بما ذكره رسول  
من اشركهم فبما يشاء من اثمهم ورضي عنكم انما  
يدعت نبيهم. فان تولاقتن جبريل الله لا اله الا  
له وحده وقلوبك دعوت رسول الله صلوا عليهم. وقال  
الملك ان توبين به استغفبتك اللهم فان كان  
قال انك البزم الاثنا ملكي ان تبتين. فالاجل  
على ان ابراهيم الذي استغفبتك عليهم. وكذلك كنت  
ابن توت ولا تدين بيوتهم فيما احتسبوا في  
يعني ان من نكاحه ولا تصعب بواله من ابني  
واكله ابا بزره في انه كان صوبه تاينا و  
نكاحا ملكا. والملك الذي انتم منه عليه من  
الملك من بن ذرية ادم وقرنها مع نوح و

بن

ذرية ابراهيم وانما استغفبتك وتوبين بنينا و ابنتنا  
وانما على وليته انما انا من اجل سجدة ركعتك  
وان لو جح جهاد جهاد انما اخرجوا داره ودراج  
خودند ودر اهل ذرية يا سرخ نوبت انما اي  
باست بدلان شاهان عبيتهم باشد وبيع ابيت  


باين دره قيام تمام با دره و در صفت صلواتي  
هر دره چهار صعد و چهار دره و يا چنانکه در پي  
تمام و بنام هفتاد سال با صفت بيت و كيد هفت  
با تمام رسا اما بواب غفوفت بر روی كشاده کرده  
نوعت تفتن از بس بد روی که بی عیاج مکرده که  
با بن عده نماند خلد و بر کجا و غسول هفت  
نه با بچاند و بچو سوزد و دست ز زاندر که از  
بني پي شوه که عده و سبط اهداه صغیر که در است  
هر دره دره کند و بچاند فرخ و جمعیت تمام با بد که  
برده خو شکار و غلبه بود سوزد با الله من نال است  
با بن دره تمام تمام با هفتاد بنال و بهتر بد که  
ثلث کشت با بد و جمعیت زاندر که و دره دره و دره  
که در آن و با بوده توانا کرده و بچاند که در کشته  
دا کرده و جمعیت خرد هر ما که با بن بزلان است را  
بيت و کجا و بچاند بر بيت کشت و بچاند فرخ هفتاد  
و بدولت عظیم برسد و که بعد از اتمام تمام از آن  
یک نماند شهره به بنات و در صفرتان بنوبت با خود  
دارد و آن دو طوقه ششم مانده و هر دره دره دره  
خود و آن شاهان کار اینها کند و دره دره  
و در پي بن برسد و رفع کل از بنچان بن رسا بن  
و با بن او هر صیر با اراست و با بنات با غنای  
اشا الحزن و کجا و فرخ الحاکم انما انما الهی انما  
میرد اللهم ربنا انزل بکتنا انما انما بر اکتان  
لنا عید با و کرنا انما انما انما انما انما انما

بن

بن شکر علی الخیرة فرضا الله و صفت کشت که

ولدت جميع الرافدين . ولقد عشنا ذلك اول يوم  
 وجئناكم فيها على ارض كلبا او ما تسمى كركوك  
 منذ ايامها والقيتنا فيها اول راسي ابيتنا فيها من  
 كل عرق مؤمنون . وجئناكم فيها على ارض  
 ومن لكم يا اخواني ارض ارض . وان من عرق  
 الا عنتنا خاليته وانا نزلنا اياه في بيتنا  
 ارضنا الذي اترك على عبد . الخبايا في كعبنا  
 كما عرجنا فينا لبيتنا شاربنا من كل امة  
 بيكر المومنين . الذين يقولوا اننا  
 اولا حنا ما انبثت بين اهلنا . فكل مؤمن  
 فانه يقول اننا مؤمنون من اهلنا والاولي الذي  
 وراصف اول . الا اولي الله اولي الله اولي

وتبين الا نؤمن بغيره اذ الله الحكيم حين  
 اذ الله هو الرائي . والقران الكريم . من  
 يربطه بجهنم له نورا . ومن يربطه من جهنم لا  
 يجزيه . ومن يؤكل على الله فله من جهنم  
 الله بالاربع فاجتبت الله لكل امة من المؤمنين  
 في سنة من سنة . ومن نزل عليه . نزلنا  
 نبيون . فانا ان الله لا يكلم الله قوما الا  
 اذا هم على اذن . فاجتبت الله بغير اهلنا . كل امة  
 كتابا . فاجتبت الله بغير اهلنا . كتابا  
 كتابا . فاجتبت الله بغير اهلنا . كتابا  
 كتابا . فاجتبت الله بغير اهلنا . كتابا  
 كتابا . فاجتبت الله بغير اهلنا . كتابا  
 كتابا . فاجتبت الله بغير اهلنا . كتابا

9	35	3	24	31	51	30
3	11	11	20	1	30	19
13	13	15	15	23	18	19
	15	22	21	15	18	18
5	24	9	10	26	12	21
36	2	23	4			

**باب جبار** . وده فرع لمرکز در مقابل آن شهر  
 باشه مثل کسی در مقابلش چون لغو و فرج بی  
 در غیر آن لغو با الله منها چنانچه جعلت ایزد  
 اولاد که زند و جعل فرزند و هفتاد و یک ایزد  
 مده صمدیست روز بخواند هر روز سه مرتبه  
 هفت بار در هر چه . سه صد مرتبه تا شود

آخر غوره . سه صد و چهل بار بخواند و تمام  
 با نام رضا نذر آنرا بپوشد . فاما در همه عام  
 بجای شصت صد روز نوبت بخواند از روز پنج  
 هفت تا بدی اگر دور کند هر روز پنج نوبت  
 تا تمام است یا هفت نوبت که عدد صغیر بخواند  
 هرگز بخورد نکرده و اگر نوبت در اوقات  
 سر بسبک و زعفران و هفت نوبت بر آن سخن  
 و طاعت عین دمان میکند بزرگ و سخن بسیار  
 در آن زمان و طعمه سر تا شود و یک آن بخورد و بخورد  
 دهد و بگوید یا آنکه در سه روز که شخصی آنرا  
 بخورد بود و در آن روز که صفت کند بگوید  
 یا آنکه باشد بیخالی آن جوان که در حضرت مالک

رسالت لاسم جناب و بدست کشف با رسول الله از  
 پلای شکایت همیکم امانا مانا بر پانی غی غلام اکثر  
 ازان تکلیف میکنم حضرت شاک فرموده که  
 بخوان این شکر آیه که در قرآن است چون از خواب بیدار  
 شد در تمام قرآن شکر کند که شکرش آید جمع باشد  
 که صحت از آن بزرگوار است با تا آخر الکتاب عاقل  
 و با نام قیام کند و در وقت صبح و در وقت نماز اولاد  
 سبحان یا بسم الله انساب صحت و مرض نماز اولاد  
 ابرو را در دریا برینست و در مرض نماز نماز اولاد  
 اولاد بود و با نام شکر است که این آیه را در هر روز  
*هر روز پنج مرتبه بخواند و هر روز یک مرتبه گوید*  
 تا نسیبش بالا آید و شکرش آید که اولاد با یک یک باشد

چنانچه از آن الله عزوجل میگوید و مستحب است که در وقت  
 و کتب حدیث و در هر روز مؤمنین با ایها الکافل  
 نماز نماز یک مؤمنیکه من رجب و شکرش آید با  
 الصلوة و صدقه و در هر روز مؤمنین با حج  
 من بطرف نماز شکر است که نماز و شکرش آید  
 الشاکی را شکر و آنکه لا اله الا الله و شکرش آید  
 من الغلات ما هو شکرش آید و در هر روز مؤمنین با  
 یکدینا نماز این آیه شکرش آید که جمع شود در هر  
 روز یک روز یکبار اولاد من شکرش آید و شکرش آید  
 این و در هر روز شکرش آید که شکرش آید که شکرش آید  
 اگر در هر روز یکبار و یک شکرش آید که شکرش آید  
 بشکرش آید که شکرش آید که شکرش آید که شکرش آید

الیوم فی یومک از آن آیه و شکرش آید که شکرش آید  
 از آن آیه و شکرش آید که شکرش آید که شکرش آید  
 بنویسد که شکرش آید که شکرش آید که شکرش آید  
 از آن آیه و شکرش آید که شکرش آید که شکرش آید

۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۳	۱۰۱۲۴	۱۰۱۲۵
۱۰۱۲۵	۱۰۱۲۳	۱۰۱۲۹	۱۰۱۲۳
۱۰۱۳۰	۱۰۱۲۸	۱۰۱۲۵	۱۰۱۲۸
۱۰۱۲۲	۱۰۱۲۷	۱۰۱۱۵	۱۰۱۲۷

**باب پنجم** در دفع سحر و جی و ام البنیان  
 دفع سحر و طیب که در چشم است خوردن از آن آیه  
 است که اگر کسی در سحر باشد با شکرش آید و شکرش آید  
 نفس و چون از آن سحر شود شکرش آید و شکرش آید

تمام نماز که اگر کسی از آن خواند کسی را بوجه اولاد  
 که در آن بخواند برود صدقه که شکرش آید و شکرش آید  
 و بصرف بند و صحیفه بد و اگر کسی سحر کرده باشد  
 و از جن وارد شود اسب بریده باشد به زمین نهد  
 عمل کند در عرض ام البنیان را بر بوجه سحر و خزان  
 در هر روز من گوید که در وقت صبح و اولاد روز شکرش آید  
 بنک و در غلالت و در هر یک که در دفع شکرش آید  
 بس که بخند و چشم تمام را به زمین رود بنام آید  
 ابروی شکرش آید و بخت که بشاید چشم تمام و در هر  
 اگر در وقت صبح و در هر روز بخواند سحر و سحرش آید  
 صبح کرده و در هر یک که در وقت صبح و در هر روز  
 باشد بصفتش سب کمال کرده و در هر یک که در وقت صبح

وجهه طرانا و ناد ما و فاكه كنند و نادى و بايچ طوط  
 سنان كرده و در عهد كل از اولاد هشتاد هزار عدد  
 جمل زنده بالست در هفت گنجت بودند و سياه بدين  
 هر روز سببند و شصت و پنج بار در ده روز در سهر  
 سببند و شست و نشتن لار در ده روز در روز خور فر  
 سببند هشتاد و يك بار بخورند هفت روز با تمام نام با سببند  
 ارا و هفت گنجت هده كند و هر روز عمل سببند كند  
 اسنان از اولاد بالست سببند ارباب سببند و سببند  
 با سببند سببند و ده سببند تمام در يك جلد سببند  
 هشتاد و پنج بار و كرتى كند سببند تمام نام هشتاد  
 پنج بار با سببند لار و كند سببند در روز كند و پنج  
 سببند عمل لار سببند فكه و در اولاد سببند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَأُوا لِلْأُولَى  
 وَالْآخِرَى لَكُمْ أَجْرٌ كَثِيرٌ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْكُمْ  
 مِنْهَا جُرْأً أَلْفٌ وَرِثَةٌ يَوْمَ يُزَالُ الْوَرْدُ مَقْتَدٌ  
 وَتَبَعُ بِرِثَةٍ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا  
 وَكَانَ عَلَى اللَّهِ رَيْبٌ وَبِحِكْمٍ نَامٍ ذَالِ الْإِثْمِ  
 أَتَى بِمَا صَبَرْنَا إِلَيْكَ بِرِثَةٍ كَثِيرَةٍ فَإِنْ  
 تَوَلَّى فَقَدْ كَانَتْ لَكَ الرِّثَاةُ بِالرِّبَا وَتَحْتَلِفُ  
 بَيْنَ قَوْمٍ أَيْمَانُهُمْ وَلَا تَقْرُونَ تَسْبِيحَ الرَّبِّ وَتَحْتَلِفُ  
 تَحْتِي حَيْثُ وَتَقْلَبُ الْعُقُودَ وَتَهْتَلِكُ بِالْكَارِ  
 الْبَايِلِ كَلَامَ وَهَوًّا فَأَوَّلُهَا أَيْمَانُهَا وَمَا  
 مَعَهَا نَأَا نَأَا لَمْ يَكُنْ فَالْحَسْبُ لِي وَلَا يَكْفُرُ لِي

احبب الناس ان يتكروا ان يقولوا الامانة  
 لا يفتنونك وقلنا نعمنا الذين من قبلهم فآمنوا  
 الله الذين صدقوا و لم يفلحوا الا الذين آمنوا  
 الذين يقولون السبايات ان يبينونا انما  
 وبن كان يزعم الفداء الله واكل حياض الله  
 وهو الجمع عليهم واكلنا من الاثان على كل  
 كل ربي ما عا شققا من ربي لاله تلك  
 الاثان لا تقبلنا الشاير لتمام سببند كرتى  
 اللان لا الله الا هو عالم القرب و القرباءة  
 الرحيم وراه الله الا هو الله الا هو الله الا هو  
 الساروم الذي على سببند من الجنا والديكر  
 سببند الله عا ويزكره وقلنا انما اولادنا على

المسمى لاله الا انما العتني وبيح للمانوف  
 السببند و لا يزعم وكون اليرز الجيم وبن بيع  
 و در وضع شانه و در عهد با و در الله اليرز  
 نأوا نأوا انما و در عهد با و در عهد با و در عهد با

كرد و عبادنى هدير على الانك

۹۲۱	۹۲۵	۹۲۸	۹۳۱	۹۳۴
۱۰۹۸	۱۳۷۵	۳۷۷	۹۳۸	۹۳۸
۱۳۷۵	۱۰۹۸	۹۳۸	۳۷۷	۹۳۸
۹۳۸	۱۳۷۵	۱۰۹۸	۳۷۷	۹۳۸
۹۱۹	۹۲۲	۹۲۵	۹۱۲	۹۱۲
۹۲۳	۹۱۳	۹۱۸	۹۲۳	۹۲۳
۹۱۳		۹۲۰	۹۲۵	۹۲۵
۹۲۱	۹۱۴	۹۱۵	۹۲۶	۹۲۶

و اگر عده کل در ۱۴ در ۱۴ و غرضه باهوش نگاه

دارد از این نوع عمل کنند فرغ کرده در سابع اینست

۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۳۳	۳۴	۳۵	۳۶
۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴
۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۴۹	۵۰	۵۱	۵۲
۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

با این **نهم** در وضع و نشان در دوران و دوران

و مقهور و شرف دارند تا اودی چون که یکی را بدین مضمون  
 کرده اند اما در ظاهر نشان بر رخشان بود از این طرز  
 خوانند و بخورند ایشان دهد اگر که نوزاد به دست  
 مید که در ظاهر نشاند و در ملک که مکروه و خطا کنند  
 با تمام شانند در دست که ندانند مقهور شوند در آنجا

۱۲۱

از این بد و هیچک را در هیچی نمی خوانند که از این اما این  
 عهد بر این بهم بهیچ می باشد که بد و در قریه سر مشرف  
 مرا که رفتند و در خوف برابرند و فصله نشان  
 مسحتت جانی با تمام ایشان خوانند که تا آنکه از  
 ایشان بهتر بود تمام نشان کرده و کلام عمل  
 یکشود آم آفتی که در بین ایشان مسحتت است  
 خوانند که در دم دیدیم که جوی ظاهر که رفتند ایشان  
 سواد و بخوانند و سینه در بر میانها می بخورند  
 که تمام ایشان ایشان بر زمین آمدی سر بر کف می آید  
 در آن کشتی طراشتم که ایشان سالک انداخته با  
 با خاندان دولت در کشتی بر کشتی اند و در ایشان  
 یکان هلاک کرد که در آن کشتی با همه چیزان در

۱۲۱

تلاش می کنند تا با کسی بهیچ شخصی که نشان کرده این

دوره بخوانند و بفر که که اصل بود تقدیم کوی ز برای هر

و خاندان از خجست عدد و زبان بد که در مضمون

در دست و هم نام نمی گوید با ارها برای فرغ

کل و کلای شکی که در نشان نوی تجری کرده ز

بودی که در ظاهر نشان در نشان کرب و جوی

در رسید کرده بهیچ نیست و تا که کنند از این

اینکه کند و بخوانند با نشان که تمام سالک

کبره البقه و شومان و زانند سید و عتق الله بکرم

از برای قه و عدوی نریله میان و در کبره که در

بنیست و بخوانند از این شوره شوم با او کرده که

تا که نریله روی شوم در دوران ملایط خاص کند

۱۲۲

و تمام ختم سید کرده از چاه دریا تا به کعبه تا خاک  
 مسجد قدیمی بر باره و از این کت که بر راه هفت  
 خاک خوانند و این مرتب را با ریم هفت نزل  
 بیازید و برابر یک که در نشان و نشان ایشان  
 در لای با نشان سبب نیز کرده و در عده تمام از  
 در هزاره و بیست هشتاد و سه سطل در میان  
 در زمان تمام شانند در در چنگلیار و نشان  
 جمله سنج با این بخوانند در روز آخر بخواند و بنی  
 و اگر نتوانند یا بصد خوانند بعد تمام تمام کرده  
 سنج با اینست در یک یا نوزده تمام کند که از این  
 میسر نشود و در کند هر روز بعد صغیر که در  
 در خانه نیز بخواند که میسر شود بخواند که در

۱۲۲





سجدت و شیخ بود و هر جمع هفتصد و نود و  
نه بار بود جمعه آخر هفتصد و هشتاد و پنج بودند  
چنانچه در بخند هفتاد و یک بار و زیاده بر این است  
و زیاده با انعام رساند و او که کبیر نشود هر روز پنج  
با بخند صاحب مضایق شود و هرگز در وی  
و در نشست و در غرض از بخند یکی که ان ندارد  
سوره و هر روز یک روز کند و ان اوقات و یکبار  
ابوبیوخ و او که بخند و هر سفر بخند از بخند ان یک  
ایمان میروند و در و بار یک روز بر روی یک  
و از موافق یا که مضرت رساند و او که در یک  
هنگام یکبار و او را ان نشود و که ان هفتاد و یک  
و او که یکی که از غرض بخند و در غرض بر او شده

و

و از بخند برین بخند و ان وقت از ان ان وقت  
ای که از ان که از ان ایا ان که از ان وقت  
سپاس انعام و انعام از ان که از ان  
امید از بخند انعام از ان که از ان  
سپاس انعام و انعام از ان که از ان  
عزیز است و انعام از ان که از ان  
با انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
انعام از ان که از ان که از ان که از ان

و

و یک روز در روز نماند و او که در ان بود  
در نشسته از ان که در ان که از ان که از ان  
در که از ان که از ان که از ان که از ان  
معلوم که در و او که از ان که از ان که از ان  
انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
خود یا از ان که از ان که از ان که از ان  
ملاوی که در ان که از ان که از ان که از ان  
و لیکن از ان که از ان که از ان که از ان  
بخت یا بخند از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان

و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان  
و انعام از ان که از ان که از ان که از ان

حجج

1299	1299	1299	1299
1299	1299	1299	1299
1299	1299	1299	1299
1299	1299	1299	1299

**باب هشتم** در دفع حمام خوردن و غیره نظای  
کفین و سفید و کذب و شکر کج اگر خواهر که خود را  
یا کویر انضمام سفید و غیره نظای کفین یا آن  
در طاعت حریم که خواند و در مدفن و در یک روز هم  
روند و ولایت بجا آید به بجا نماند و هر روز در سفید  
جلد هفت نوید بجا نماند و هر چند از سفید  
بناوه و بنیاد بجا نماند با آن روزی که در سفید  
چون عدد کل ۲۱۰۵ هفت یا با نام الطمانه  
صالحیت در زمانه و هر چه بدید و بطلان است  
نماید اگر که صحت در نبود و سفید و روزی که کند  
در وسط سفید کند یا در مدفن را در وجود حق را  
بیشتر بجا نماند و در اول بجا نماند و در آن روز هم

خام با جزبند روزی که سفید کرد و هر روز سفید  
پنج و هر روز یک بجا نماند و هر چه سفید را در سفید  
کرد و در وقت از این وقت با قبول و طاعت سفید  
کرد و اگر از این وقت با سفید در سفید کل کند  
مصرفه و نوید در اولیاد با تکامل نامان از سفید  
سازد تا سفید کرد و در وقت بر اولیاد که در وقت  
بعد از سفید سفید خواهد بعد از تمام که سفید  
در سفید با تمام نامان که سفید با تمام کل کرد  
اگر سفید با تمام بجا نماند و در وقت با تمام کل کرد  
تمام نامان خواهد در سفید در وقت سفید با تمام با تمام  
خواهد و اگر در وقت که هر روز در وقت که در وقت  
بجا نماند و در سفید شوق راه سفید کرد و در وقت

و با بار فاره  
هوای ملک  
افغان

خدا بپایان رسانا که از هر طبع نام خدا مستحق  
و با این است حجت علیه السلام و السلام که  
الغیر بی ما و الا غیر الله به و الخیر فی کل شیء  
و لا یموت فی الاشیاء و الا کل شیء الا ما انما  
و لا یحیی علی الخیر فی ان لا یحیی فی الاشیاء  
و لا یحیی فی الاشیاء و لا یحیی فی الاشیاء  
و لا یحیی فی الاشیاء و لا یحیی فی الاشیاء  
و لا یحیی فی الاشیاء و لا یحیی فی الاشیاء  
و لا یحیی فی الاشیاء و لا یحیی فی الاشیاء  
و لا یحیی فی الاشیاء و لا یحیی فی الاشیاء

و ان الله عز وجل یخبرنا اننا انما لان اذی ذالک  
من ثم الامور سائر الامور و ان ربنا رحیم  
و العباد یا انا ما احزن علی الله ما احزن علی من یح  
ما در معاد ما در معرفت خداوند ما در ما یاد شد  
در خاص این تاریخ بسبب الاشیاء که تمام بیان میکند  
بتجدد علی بن ابی طالب و بعد از او چون نام سایر  
دارد تا از ان شاء الله خواهد که در زمانه و در وقت  
تا بعد از سفید سفید کند و یک کند سفید با تمام  
بجز سفید با خون دارد که سفید با تمام دارد  
۱۳۱/۸ ۱۳۱/۹ ۱۳۱/۱۰ ۱۳۱/۱۱ ۱۳۱/۱۲

۱۳۱/۸	۱۳۱/۹	۱۳۱/۱۰	۱۳۱/۱۱	۱۳۱/۱۲
۱۳۱/۸	۱۳۱/۹	۱۳۱/۱۰	۱۳۱/۱۱	۱۳۱/۱۲
۱۳۱/۸	۱۳۱/۹	۱۳۱/۱۰	۱۳۱/۱۱	۱۳۱/۱۲
۱۳۱/۸	۱۳۱/۹	۱۳۱/۱۰	۱۳۱/۱۱	۱۳۱/۱۲
۱۳۱/۸	۱۳۱/۹	۱۳۱/۱۰	۱۳۱/۱۱	۱۳۱/۱۲

**تاسف** در اظهار غایت و بندگان و معاندان و مغان  
 غایبان و کینه بکنان و در خاندان چون کین چای بخان  
 و غیره در این لغت معاندان از آنست که از طرف معاند  
 کلان دارد بسیارند و بندگان نیز معاندان از آنست که  
 ۱۱۱۶۱ با بندگان در هر طرف معرفت رود و در هر طرف  
 هر چه بر او باشد همه آید ۱۱۵۱۵ نوبت اینست  
 چنانچه بنده سخن با نام نامی سید که از آن است از نام  
 جنب بود که گویند خود را از آن در هر جماعتی و اما  
 و معونی کنند که کسی که می بیند که بخیزد بود نام  
 تا بنشیند اگر کسی از طرف بدید و در هر طرف بود و در  
 جای طلب و ترکند یا با بریزند بود با بدید

جامه بگریند رفت و شمع ابوعلی همدان شهر  
 در کتاب انا لاله انوار و عجایب انا لاله انا و در هر  
 که طالب نایب و معاندان باشد نیز و عجایب این  
 و نیز از آنکه انا است بین بر پیوسته می رسد بود  
 پوست پنبانی شیرینیا که بود چون قورمه و پنبه  
 بخانه و در هر یک سینه آید و بگوید نام آنست  
 شغول و بندگان ترسان غلام و روان شود بر هر  
 و بر معاندان و نایب انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 و علم و بیخا بر هر کرد و وعده و سبزه و بیخا شست  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله

الفارس آن سخن را با الفارس نیز با بیگانه  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 من انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله

این سخن را با الفارس نیز با بیگانه  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 من انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله  
 انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله انا لاله

ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن
ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن	ارحمن

بلین زیر اهل جهاد بیدار شدی در شرفت بر آن از این  
 در راه خود شتاب و عطا کردی که در آخرت مفصل باشد  
 و بعد منت الیه شد و کلا یک نفس با خدا باشد  
 یکی با زنی داشت و یکی با زنی حبیب و یکی در تمام  
 خود نگاه دارد و یکی در آن مقام که گمان دارد با زنی  
 و با عیون مشغول لشکر روزی بر او رسد مع آتش

۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰

**باب هجتم** در تحصیل اطلاع بر زمین و مکان غرض  
 لازم است این که در زمان و در آن چگونگی که خواهد کرد آنرا

بزم

با پیشانی زانو بر روی آستانه و تعین نماید که آنجا است  
 که قصد رسیدن زمین است ترک جوانی خوردن  
 کند و اگر بخواهد در برابر ایستادگی باشد و در  
 اول هر روز ۱۲۱ بار بخواهد و در هر یک از آن  
 هر روز ۱۲۲ بار بخواهد و در هر یک از آن  
 صد بار که خواهد شد لب و زبانه و در هر یک از آن  
 زیاده و عقوبت از اول تا آخر است اما در خصلت آن است  
 و در آن ۳۳۰ بار بخواهد و در هر یک از آن  
 و عقوبت آن است که در هر یک از آن  
 خوب خواهد بود و در آن از آن خواهد کرد که  
 چکند آن عمل نکند و در هر یک از آن  
 در آن شوق و امکان دارد که تمام این عمل را در آن

در هر یک از آن بپوشانند و در صفا که کند و در هر یک  
 احوال منع و دعوت کنند و بپوشانند و در هر یک از آن  
 را که در آن راه علم عزیزه و راه آن است که در آن  
 کند که در آن خواهد کرد و در هر یک از آن  
 ستانده است حاصل خود را نشان دهد و در آن  
 از تمام هیچ بر آن از زمینش و بخواهد که در آن  
 سبیل و در آن است سعادت سبیل خود را بپوشانند  
 کار و زشت و زعفران و در آن از آن بپوشانند  
 خواهد داشت اگر از آن بپوشانند و در آن  
 و در آن است باغ و سبزه و آب روان که در آن  
 کند و سبیل بدین بپوشانند و در آن  
 و در آن است از آن سبزه و در آن

دوازده

و بپوشانند و در آن تمام زمینش با آن که در هر یک  
 شوند و در آن است که در آن است که در آن  
 خواهد که در آن سبیل بپوشانند و در آن  
 و در هر یک از آن است که در آن  
 و چون بپوشانند زمینش که در آن  
 مانند و در آن است که در آن  
 و در آن است که در آن



و در آن است که در آن  
 و در آن است که در آن  
 و در آن است که در آن



مېکويدار بازانگ د محبت جوياست باستانا  
 لينا ليا تېن لکړم زير الشا بر حب الهم  
 من الشاه والسنين و التنا الى الله برون  
 اللک و الاموت به و لعت الشاه لک  
 و الحرك و الاموت العرفا الدنيا والله في  
 حب الساب قل اني کتم بيوبي الله فان  
 بيوبي الله و يعجزکم ذنوبکم و الله يعوزکم  
 ما دام هو لا و بيوبي نام و لا بيوبي نام و لعت  
 کله و اما رحمة و شفقت کم و کت قلا  
 فکما القاب کا انقصه امرن و کولان فاعف عنهم  
 و استغفروا له و سفا و دم و الامور فاذا اعفوت  
 على شراي الله بيوبي الذکر امل بيوبي کله

و الامور اسما الشاه لله شوق بازاله  
 بقوم بيوبي و بيوبي له و انه على الدنيا برب  
 ايدي على الكاذبين يا هديون فبسب الله  
 و لا يجا قولي و توبه لانه ذک فضل النبي  
 من قبا و الله واسع عليهم هو الذي انزل  
 يعز به و بالرفيق بين و لکت بين قلوبهم  
 ما و لا يفوز حينا اما اللک بين قلوبهم و لکت  
 الله الکت بينهم انهم يبرون کلمه اللکت  
 رسول من ان الشاک يبرون کلمه ما تقم حوص  
 عابکم بالو سبين و کون صبرا و لکت عابکم  
 حبيبته و على و لا يصبح على عيني او تحمي  
 الوجوه التي اللقويم اناه هو سب لک و بيشه  
 و کخاب من کل عا

و هو العفو لا لونه و ذلک العفو لیس بافعال  
 لیا بربا و آیه محبت ابترت که و بنده شایع  
 محزون لاینالاعداء تمام ابرازالش که رود و مرید  
 در بیخ وضع کرده تا هر که بجز محبت دروغشاله  
 زهره بنویسد با تمام ارباب و مصلحین  
 که با حق نگاه دارد و دیگری در محبت در یاری کرده  
 تمام هر که با بان عدو جمع کند و در روزها  
 شانه بمانی زهره و نظر طرف سمسلا ز لیلی خوا  
 عتقتنه در نظر زهره و لانه ز لیلی کار و وقتضا  
 و نیز کمان در روزهای شنبه در روز دره من  
 هر که در جمع که باید نوشته شود اینست  
 مرجع حسن الدین

۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴
۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳

۱	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸
۲	۱۱	۲۵	۳۵	۴۱	۴۹	۵۳
۳	۲	۱۶	۳۰	۴۰	۴۷	۵۲
۴	۳	۱۷	۳۱	۴۱	۴۸	۵۳
۵	۸	۲۱	۳۶	۴۶	۵۳	۵۹
۶	۱۱	۲۶	۴۱	۵۱	۵۸	۶۴
۷	۱۴	۲۹	۴۴	۵۴	۶۱	۶۷
۸	۱۷	۳۲	۴۷	۵۷	۶۴	۷۰
۹	۲۰	۳۵	۵۰	۶۰	۶۷	۷۳
۱۰	۲۳	۳۸	۵۳	۶۳	۷۰	۷۶
۱۱	۲۶	۴۱	۵۶	۶۶	۷۳	۷۹
۱۲	۲۹	۴۴	۵۹	۶۹	۷۶	۸۲

و شاه و بطریق ما وضع کرده تا با تمام شکل آن رود

۱۳۱۵  
 و کخاب من کل عا  
 و کخاب من کل عا  
 و کخاب من کل عا  
 و کخاب من کل عا

و چون لوح را با خود بردارند در اول وجه خود که  
بخوانند از بطن من شاه کند و الله اعلم  
**باب ۳۰ و از دعای دلو در سفر و هر وقت که**  
و حاجات کرد از دعای که در میان شش تا پانزده  
که بخواند ساعت رحمت الله برای هر بار از بقیه  
و عدد آن که هر صبح بخواند و آنرا شایسته  
ایشان در اول کتاب میخوانند و در باریب  
بفرستد تا هر طبع در اول عدد هر بار بخواند  
اما **اول** از باریب رحمت و طلب حاجت که  
در تریب سالیان ۱۱۸ نوبت بخواند یکبار  
باید که در هر که نماز نماز **اول** از باریب  
و **اول** از باریب **اول** از باریب رحمت و دفع غم

نزد آن که در اول از باریب رحمت و کمال کمال  
**ششم** هفت خالص اول عزت **دوم** نوبت  
**سوم** نوبت روزی **چهار** حشمت **پنجم** نوبت  
**ششم** نوبت **هفتم** نوبت عدد کبریا ۳۹ و عدد  
وسطه ۵۰ اعداد معجزه خستی الله لا اله  
الا هو علیه توکل و توکل الله العرش العظیم  
**هفتم** از باریب را هر چند بود از زبان اعدا  
هر زمان با بساطه با بخواند آن آنگاه آفتل  
خستی شایسته لا اله الا هو علیه توکل و توکل  
العرش العظیم **دوم** همه ربات نماز کلام  
روز روز و لاف هر بار بخواند آن من میباید  
از اوقات **دوم** برای خفایت مقام و لذت

و از آن نوبت و شفا و تقاضا حاجت طلب بخواند  
**دوم** ۳۳ نوبت بخواند تا الله چه بخواهد  
**سوم** آیت انما حین **دوم** برای حصول حاجت  
و شش روز دفع خوف و غم و التماس صفات  
لا یجوز انما یخون **اول** از باریب رحمت  
**چهارم** از باریب رحمت و شفا و تقاضا حاجت طلب بخواند  
بخواند الله لکرم یوسا و به نوبت مرتکب شود  
القدری العزیز **پنجم** برای هفت خالص **اول** از باریب  
**دوم** عفت اللسان **سوم** دفع بجهت **چهارم**  
دو سنی خدا ترین عارف کبریا ۳۳ عدد  
وسطه ۶۰ عدد صغیره **یک** از باریب رحمت  
وسطه ۳۳ عدد

خامیات و دفع خصمان از باریب کلمات **اول** از باریب  
بگوید که یقین و کفر و جمع بر امان جمع  
و هر روز یکبار **یک** ۲۵ بار بخواند **اول** از باریب  
نوازش روزی و شبان و صاف و زیاده باشد بخواند  
تکبار و برسدت خامیات بی که بخواند بود لب  
ای پیام نماید بسیار هر زمان پیش از آنکه سخن گوید  
هفت بار **یک** از باریب کلمات **یک** از باریب  
الجبیه و سوره النامع از امان قلب بجهت اولیای  
بی که هر روز **یک** **دوم** برای امان و فرزند  
خامیات کند و جزیره دفع دشمنان و خدای  
میل بیکلارا هفتاد بار بخواند امان و روز  
از امان بخواند **اول** از باریب کلمات **یک** از باریب

تمام خواند و آنه بر رقیقت شفق و انامید و دلها فرزند  
 و دره تا کردن الحاح بسیار کند و او را که حال او باشد  
 طلبد و با سخنان بغیر از اینها بداند از نماندن کار و دل  
 نشود و در خود درن و بوی شیدان مانع غفلت کند که کرم  
 نباشد و در اول آخر در حضرت سالت صلوات  
 علیه و آله صلوات فرستد و با اینها بنام الله است  
 صلوات فرستد و تمام حضرت سالت صلوات علیه  
 و آله تمام میباید که در هر وقت سالت صلوات علیه  
 عید به عترت اینوی که برین بکلیا بر صلوات فرستد  
 فرشتگان و پادشاهان و صلوات فرستند و در مکان  
 قبیله و خود و اند که بهیچ صلوات فرستند  
 نیست که آلام و حکایتی بخوبی و آله میگوید که آلام

**طریقین** **وَاللَّهُ تَعَالَى** **وَاللَّهُ تَعَالَى** **سوره توحید**  
 منقول است از اساطیر با برزید با طبعی و شیخ  
 ابو الحسن خرقانی در همین بیان علی همانی نقل کرده  
 از امام چهارم که بر آرسدن طایفات و سخنان و گفتار  
 کلاما در دفع و دشمنان و در معظم بودن زنی با او  
 اینست که اول هفت و شصت سوره فاشحه بخواند بعد  
 از آن صد و نه صلوات بر بهترین مومنان فرستد  
 و هفتاد و نه فقرت سوره الف شرح بخواند بعد  
 از آن هزار یک مرتبه سوره توحید بخواند و بعد از آن  
 هفت مرتبه سوره حمه بخواند و صد مرتبه صلوات  
 فرستد سوره ننگ که که در کمال طهارت کرده و در تن  
 الحقیق موی سالی است از آن سالی که بر تن خالصه موی

بِرَأْفِقِ الْبَرِّينَ لَمْ يَزَلْ يُمْسِكُهُمْ فَسَكَرُوا وَرَدُّوا رُءُوسَهُمْ

کینه و رادمان غایبان و اولادها بختا با او نشاء لاریت مع  
 بیکجا بس و ریب کتیا بجهلند تا نا امانا مشوره با در عین  
 نبی بنامیند و آنچه که در احوال حضرت در هنده بی  
 شک نباشد از آن مقام آنکه بقیه با او نشاء  
 و لا اله الا انت عبادک علیه بیشر **محمد** **محمد**  
 کفایت همتان و با آنات این است بر عمل و رسیدن  
 طایبان به طملوبان و تیر و فرغ و دشمنان افوی و  
 خصمان بزله و در صفت اینان اینک است **۳۳۱**  
 با بجهلند و آن بجهل کلک است که در آنجا با کما و کف  
 بالله و کبریا و گفته با الله شهنشاه که در آنجا بجهل  
**چنانچه** مویبش از نصف زنا نیکبانه و خلتش

علیه و آله که هر که اینک از آن در خود بکلیا بخواند  
 از بهر تقوی و نعت بر او فرخاند بد هفتاد هزار مالک  
 کارن بر او را و از هر شتر خالصه تا روز قیامت بگری  
 همتان و سخنان و در از آن کفر و فریح روزند و  
 در از عمر و در دفع خصم خاتمه تا با ایمان کان کمال  
 اینها را بیرون رود و در بخواند تا بس که در مکتب  
 تا باید و در هر وقت که بخواند تا با او نشاء و در هر وقت  
 بخواند تا با او نشاء و در هر وقت که بخواند تا با او نشاء  
**در الحاح** **فَاذْكُرْ لِلَّذِينَ تَبَوَّءُوا الصَّدَاقَاتِ**  
 و در از سخنان اولاد تا با ایشان به مقصود و اصل  
 شود چون با بیرون شغور کرد و در روی بجا نباشد  
 نشیند و در هر وقت که بخواند و در عریان خواندن سخن  
 و از آن نشاء بقیه که در با خواند و با همتا و آقا



کار ختم را بطریق دیگر در سیزده ایستادند از قبیل  
فرضه فایده بسیار دارد **طالع طران** در صورتی که  
دستمالی بسیار آرد **محمود** بوی خوشی که در خانه  
ذکر صدام **هرگز** چنین کند بدست صدم  
**طریق ختم** **محرمانه** بدان بیلند که در اصل  
حیات به یکا صمدیتش از اجزای آن است  
دست روی صدمه که در موی در آن ختم بسیار باشد  
باید که اول نگاه که از اینها از ناخوش شروع و ختم موی  
حشر کند و در وقت خوندن این موی لطیفه بر سر  
است اول صیقل زدن چنانست که هر روز یکبار  
تا جمل روز یکروز در موی مویط و آن است که در موی  
یکی زاید کند یعنی در روز اول یکبار ختم در روز دوم

دو

تا در روز سیم سر تا روز دوم جمل نام جمل  
و یکروز که در آن روز جمل یکبار بخوانند و سیم  
و آن است که هر روز جمل یکبار بخوانند تا جمل  
یکروز و باید که در اینها ختم سخن بگوید و در مکان  
مثالی بخوانند و از روی موی تمام صد وقت مثالی  
و با المله است باشد و روی قبیل نشسته که آنرا  
ظالم شود و هر که در این ختم با المله بخواند هرگز  
روی تغییر نرسد و زود خوان بوی عزیز و در هر  
وصفیات در بین و در سبوی او یکروز که در این  
انچه از جمل بسیار است و در موی بسیار  
که در آن روز صدمه است و در آنجا که یکبار  
در آخر ختم بخواند و در آن است **بسم الله الرحمن الرحیم**

۱۲۱

**اللهم** یا ذا العرش العظیم **والعلاء العظیم** و  
**الضیاء السعیم** یا مرسل الرياح **یا بالبعث**  
**الارواح** **یا ذا العرش العظیم** یا الله **یا رب**  
**یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم**  
و آن چینی غرض از این است که با آن از این  
و علی الله علی سببنا محمدی و آله اجمعین  
**فایا ایها الکریم** و ناد و ناد بعد در وقت  
و کلمات خواهد جمل روزی زاید یکصد هفتاد  
و نوبت بعد در وقت ناد و ناد نماید خواص  
ایرا به مشایخ با خطاب ملبوسان ملوک و اولاد  
و در روز و قصه که از هر سوره بگویند و هرگز  
بدینان نرسد و بعد موی و سخن وضع سخن

دو

و در وقت زود ناد و ناد تا ناد در هر شب  
خاندان و طلب حاجت کردن به هر روز سه مرتبه  
اسماء مشایخه بین هفتاد **آلله** **یا ربهم**  
**آلله** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم**  
که این اسم را بعد هر وقت که از او بخوانند بوی  
و ناد موی بخوانند که بوی بر سر که شایسته است  
شد **آلله** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم**  
**المستعان** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم**  
**یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم** **یا ربهم**  
مداومت نماید در هر روز تا شش ماه که قولید  
جلباب علم مار فانا وقت شریف ماه رمضان  
روز جمعه رشب قدر روز وقت بیخ تا که در وقت

۱۲۲

و دعاوی سنجاب و در روزی در یکی از خردیها  
و در ساعت آخر روز جمعه و ساعت جمعه که اکثر  
عبده کلمات در نمازهاست غیرت بخواند بعد از هر  
خواهد برسد مخصوصا اگر این آیه را بگوید و در هر  
ساعت و بعد از نماز شب اگر بخواند و در هر  
الغایق **البارئ البارئ المحوی الغفار الجواد**  
**الکریم العظیم العظیم العظیم** ما لایزال  
انکلت ذوالجلال و الاکرام و عده اینها  
سبعصد و سیزده و نویشت در روز عظیم است  
و بعد از آن دعاها را هم علیه السلام بخواند  
اللهم انک تعلم غیرتی و علمت غیبی فاعلم غیرتی  
و تعلم غیبی فاعلم غیبی و علمت غیبی اللهم انک عالم

۱۲۲

بنا بر شکر تمام و در ساعت اول که صد بار بخواند  
کن یحیی ایها ما لا اله الا انت سبحانک انی اعجز عن الرضا بیا  
و منیت لی برحمتک یا ارحم الراحمین و هر  
ایا اکثری بعد و هر وقت آن که بکشد و هر وقت  
حرف است بخواند و غنای خواهد بود از اینها  
غناست انرا در ساعتها بگویند که هر که بگوید  
مکن و در میان شکر و خوف در میان شب  
بخواند تا روضه و در وقت سبیل بر روی فرج یا بعد  
و هر که ای اکثری بعد و کلمات اینجا در وقت شکر  
عفی علیها باشد از شر شیطان و در سوس او هر که  
بباید و فصول اگر آن هفتاد و هفتاد است هفتاد  
بعبارت اینها همه جمعه در روضه خالی بخواند از اینها

۱۲۳

خضع در راه خود یا مبدون علم هیچ کس از  
اسماء الله تعالی بخواند بعد از سیصد سوره و بوقت  
و تا نیت **اللهم انک تعلم الغفار الجواد**  
**الکریم العظیم العظیم العظیم** و هر که بخواند  
ساعتها در هر روز و هر وقت که بخواند  
**جمع شایع** شامه و حضرت امیر علی علیه السلام  
فرموده اند که هر که این آیه را بخواند و در هر روز  
روزی صد بار و در هر روز صد بار و در هر روز  
خاک صفا بد و طریقه ای که از انکه است هر که  
سفر کند از حضرت شیخ الاسلام شیخ زکریا  
بالمسافر و الذين علموا الدوزخ فدمرتهم که هر که  
صحتی در زمان دنیا بخواند که با آن روز و هر  
بخواند اینها آن هم برآورده شود با هر روز و هر  
۱۲۴

۱۲۵

آن هم کفایت شود و خوانند و اما اینها  
که از نیت از راه دنیا بخواند **سوره نوح**  
**سوره نوح** اینهاست رسول الله علیه  
ساله و نیت نموده که هر چه نخواستی حاجات کن  
مقام در هر یک نیت نزل باید بود با نیت سوره  
در هر جمعه از نزل قرآن استخوانده تا با هر سوره  
تا نده بخواند و در هر یک نیت از نزل سوره تمام  
تا با هر سوره و نیت بخواند و در هر یک نیت از نزل  
سوره و نیت از نزل سوره سوره سوره و در هر  
از نزل سوره طه تا آخر سوره قصص و هر  
روز سوره شمس از نزل سوره که بخواند تا با آخر  
سوره سوره بخواند و در هر یک نیت از نزل سوره

۱۲۶

بیت پروردگار است و سوره الفجرین سوره الفجرین است  
از اول سوره اذا وقعت ثانیاً الفجرین بجز اول سوره  
که با سوره بجا است و اگر در سوره الفجرین سوره الفجرین  
مفرده اند و در سوره الفجرین سوره الفجرین  
مشهور است بجز اول سوره الفجرین  
ظاهر است باطنی و در سوره الفجرین سوره الفجرین

مفرد است که در  
سوره الفجرین  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است

بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است

بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است

بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است  
بیت پروردگار است

عِلْمًا وَالسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ فَيَوْمَ  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ فَيَوْمَ  
 الْمَضْمُونِ وَأَنْتَ اللَّهُ عَالِمُ السُّجُودِ  
 وَأَنْتَ اللَّهُ كَلِمَةُ الْعِظَمِ الْهَيْبَةِ  
 تَنْزِلُ بِحُجْرٍ كَلِمَاتِهِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
 الْأَحْلَمُ وَالْأَعْيُنُ مِنْ عَمَاءِ بَابِ الْأَعْيُنِ  
 عَقْرُوكَ وَالْأَيْحِينَ وَمِنْكَ لَا الْقَتْلُ  
 إِلَيْكَ فَهَبْ لِي يَا أَيُّهَا الْعَلِيمُ لَدُنْكَ جَمْعُ  
 تَقْنِي يَهْمًا عَنِ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَالِكَ بِالْعَدَمِ  
 الَّتِي أَحْبَبْتَ تَجَمُّعُ سَمْعِي فِي الدَّلَالَةِ وَهَذَا  
 تَنْزِيلُ مَدْرَسَةِ الْعِبَادَةِ وَالْأَخْلَاقِ يَا الْعَلِيمُ  
 حَسْبِيَ تَقْنِي لِي وَقَرِّبْ سَمْعِي وَعَيْتُ قَوْلِي بِالْإِبْرَةِ  
 فِي دُعَائِي وَأَسْأَلُكَ يَا قَائِمُ الْكَافِرَةِ الْهَيْبَةِ  
 أَجَلِي وَأَقْبِلْ عَنِّي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
 بِي عَدُوِّي وَلَا تَقْتُلْنِي مِنْ حَسْبِي

اللَّهُمَّ إِنِّي رَقَعْتُ خُصْمِي ذَلَالِي عَلَى صَعْقِي  
 وَإِنْ وَهَيْتُ خُصْمِي ذَلَالِي بِرُفْعِي وَإِنْ  
 أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ فِي الذُّرِّيَّةِ لِي مِنْكَ وَبِحُرِّ  
 أَوْ بَعْدُ مِنْ كَلْبِي سَخِرَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ الْيَوْمَ  
 أَنْ لَيْسَ فِي حُرْمَتِكَ خَلْقٌ وَلَا فِي تَقْدِيرِكَ  
 حُجْلَةٌ وَأَنَا بَعْدُ مِنْ حُرْمَتِكَ الْوَقْتُ  
 وَحُجْرَتِي أَنْ تَقْطُرَ الضُّرُوفُ وَقَدْ عَلِمْتُ  
 أَنَّ الْيَوْمَ مِنْ ذَلَالِ الْخُصْمِ فَلَا تَحْتَلِي الْمَلَأَةَ  
 عَنْ صَانِعِهَا وَلَا لِقَتَيْكَ عَجَلًا وَتَصْمِيمًا وَمَقَالَةً  
 وَتَقْنِي وَلَا تَشْفَعِي بَعْدًا وَعَلَى أَنْ يَلَاءَ  
 فَضْلُ مِرْغِي تَعْفِي وَفِيهِ حَيْلِي السُّعِيدِ  
 إِلَيْكَ التَّيْلَةَ فَأَعْدِنِي وَأَسْتَعِينِي بِرَبِّكَ  
 مِنْ النَّارِ يَا حَبِيبِي وَأَسْأَلُكَ بِالْحُجْرَةِ فَلَا  
 تَحْضُرِي بَعْدَ أَنْ يَهْجُرَ مِرْبَدَهُ بِكَرِيمِ  
 اسْتَعْفِي لِي وَأَقْرُبْ إِلَيْهِ بَعْدَ أَنْ  
 وَعَاكِلًا وَطَمَعِي خَفَرْتُ كَلِمَةَ نَارِي بِحُجْرَتِي وَبِإِعْزَازِ  
 مَوْجِي وَبِرِيَادَةِ كَرِيمِ الْهَيْبَةِ اغْفِرْ لِعَدَائِي وَفَلَانِ  
 وَفَلَانِ بَعْدَ أَنْ يَسْجُدَ فِيهِ بِكُلِّ مَا يَلْفُحُ  
 الْعَقْرُ بَعْدَ أَنْ يَرْكَبُ كَلِمَةَ بَعْدَ أَنْ يَرْكَبُ

كبير

عِلْمًا وَالسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ فَيَوْمَ  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ فَيَوْمَ  
 الْمَضْمُونِ وَأَنْتَ اللَّهُ عَالِمُ السُّجُودِ  
 وَأَنْتَ اللَّهُ كَلِمَةُ الْعِظَمِ الْهَيْبَةِ  
 تَنْزِلُ بِحُجْرٍ كَلِمَاتِهِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
 الْأَحْلَمُ وَالْأَعْيُنُ مِنْ عَمَاءِ بَابِ الْأَعْيُنِ  
 عَقْرُوكَ وَالْأَيْحِينَ وَمِنْكَ لَا الْقَتْلُ  
 إِلَيْكَ فَهَبْ لِي يَا أَيُّهَا الْعَلِيمُ لَدُنْكَ جَمْعُ  
 تَقْنِي يَهْمًا عَنِ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَالِكَ بِالْعَدَمِ  
 الَّتِي أَحْبَبْتَ تَجَمُّعُ سَمْعِي فِي الدَّلَالَةِ وَهَذَا  
 تَنْزِيلُ مَدْرَسَةِ الْعِبَادَةِ وَالْأَخْلَاقِ يَا الْعَلِيمُ  
 حَسْبِيَ تَقْنِي لِي وَقَرِّبْ سَمْعِي وَعَيْتُ قَوْلِي بِالْإِبْرَةِ  
 فِي دُعَائِي وَأَسْأَلُكَ يَا قَائِمُ الْكَافِرَةِ الْهَيْبَةِ  
 أَجَلِي وَأَقْبِلْ عَنِّي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
 بِي عَدُوِّي وَلَا تَقْتُلْنِي مِنْ حَسْبِي

لِمَنْ هَذَا هَذَا هَذَا  
 مِنْكَ وَرَحْمَةً وَسُكْرًا وَصَبِيحَةً وَرَبِّهِ  
 عَظِيمٌ وَلَيْسَ لِهَذَا إِلَّا رَفْعُكَ وَحَسْبُكَ  
 فَإِنَّكَ تَلَدْتَ فِي كِتَابِكَ الْمَنْ لِي عَلَى  
 تَيْبِكَ الْمُرْسَلِ كَأَنْوَافِ قَبِيْلَةٍ مِنَ النَّبْلِ  
 وَالْهَيْبَةِ وَالْأَسْمَاءِ حُجْرَتِكَ تَقْنِي  
 الْخَطَايَا الْهَيْبَةِ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْعَلِيمُ  
 وَأَنَا اسْتَعْفِي لِي اسْتَعْفَا مِنْ لَأَعْبُدُ  
 لَدُنْكَ تَقْنِي وَلَا تَقْرُبْ وَلَا مَوْتًا وَلَا  
 صَوَابًا وَلَا تَسْتَوِرًا بَعْدَ أَنْ يَلُوحَ بِحُجْرَتِكَ  
 دُونَكَ يَا فَهْ بِحُجْرَتِكَ الْوَجْهَ الْوَجْهَ  
 دَعَا سَكْرَتِكَ يَا وَوَالْبَعْدَ يَا

الأوهو وبعده ما في السور العبر  
 وما تقطع من وراء الأبطالها  
 و لا حجة في ظلمات الأيمن و  
 لا تطب و لا يابسين لا في كائنات  
 بعد ان فنو شجونه باو بره  
 اللهم اني اسالك بمفاتيح الغيب التي  
 لا يعلمها الا انت ان تصلي  
 على محمد و آل محمد ان تصلي على  
 بعد ان حاجت مود و ذكركه و  
 لم يده اللهم انت و لي خصي  
 والقادر على طيبتى وانت فعلة  
 حاجتي فاسئلك بحق محمد و آل  
 محمد كما قضيتها لي اذ انت ابر  
 ابره

اورد و سها طريفة ما سب جنات  
 كه بعد ان تقطع من وجه من  
 بعترت ذر و كوتا ول جلا زمة  
 صولد لبيك لبيك وسعدك و الخ  
 يدك و انتة ليس لك و المهدى من  
 هديت لاملجا و لامتجا منك لا  
 اليك بخانك و تعاليت بخانك  
 البيت لحرام بعد ان و كبير  
 اللهم انت الملك الحق لا اله الا انت  
 سخانك و يخمدك ظلمت  
 فاعضى ذنوبى كلها جميعا فانه لا  
 يغفر الذنوب الا انت  
 فاسئلك ان تصلي على محمد و آل محمد  
 بعد ان بكى بكى بكى و بنت كذا  
 تلبس احرام كفتد بكريد و جنت و  
 للذختر السموات و الارض خيضا

وَمِنْ حَيْثُ كَانَ مَجِيئُهُ مِنَ الْمَشْرِقِ أَوْ مِنَ الْمَغْرِبِ سَأَلْنَا عَنْهُ وَإِسْلَامُ

وَأَيُّكُمْ يَسْتَعِينُ سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ

مَنْ يُخْبِرُنَا سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ

مَنْ يُخْبِرُنَا سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ

مَنْ يُخْبِرُنَا سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ

مَنْ يُخْبِرُنَا سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ

مَنْ يُخْبِرُنَا سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ

مَنْ يُخْبِرُنَا سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ

مَنْ يُخْبِرُنَا سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ

مَنْ يُخْبِرُنَا سَأَلْنَا عَنْهُ لِيُخْبِرَنَا فَمَنْ يُخْبِرْنَا قَدْ جَاءَنَا مِنَ الْمَغْرِبِ



۳۹ ورق

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعْلِمُهَا  
وَمَنْ رَكِعَتْ وَرَوَيْتُمْ بِهَا زَيْدًا يَحْمَدُ مُحَمَّدًا

الْعَمَّةَ وَكَذَلِكَ يَخْتَلِي الْمَوْتِينَ  
فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَعَجَبْنَا مِنْ

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ  
إِنَّ لِلَّهِ الْآلَاءَ لَمُعْجَزَاتٍ

عَلَيْهِ فَذَا دِي فِي الظُّلُمَاتِ  
مُعَاضَاتٍ فَظَنُّوا أَن لَنْ نَقْدِرَ

وَأَن جَوْلَهُ وَذَاتُ الثُّورِ بِذِي هَبِّ  
وَمَنْ رَكِعَتْ أَوْ لَعِبَتْ أَوْ حَمِدَتْ بِهَا

طَرَفَهُ سَمَاءُ زَيْدٍ غَفِيلُهُ وَانْ دُرُوكِ كَسَمِ  
وَمَنْ رَكِعَتْ

دربند علیا و سطرزفا در ۱۱  
در ۲۲

۱۰۰۰  
۱۰۱۱



۱۱۰۱

۱۱۰۱  
۱۰۰۰  
۱۰۱۱

